

تاریخ پزشکی در ایران باستان

ژیلا آقامحمدی^۱، هما رضایی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته بهداشت عمومی (دانشکده بهداشت) دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان
^۲ دانشجوی کارشناسی رشته بهداشت عمومی (دانشکده بهداشت) دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان

چکیده

هدف ما بررسی تاریخ پزشکی در ایران باستان است؛ که روش تحقیق آن توصیفی تبیینی است و از اطلاعات منابع مکتوب و کتابخانه‌ای برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. تاریخ پزشکی از کهن‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین تاریخهای بشری به شمار می‌رود و قدمت آن به حیات انسان باز می‌گردد؛ و در ایران در دوره قبل از اسلام قوانین زیادی راجع به طبیب و طبابت در اوستا وجود داشته و چنین به نظر می‌رسد در زمانی که سایر ممالک فاقد تشکیلات طبی بودند در ایران درباره بهداشت و حقوق اطبا و بیطارها (دام پزشکان) دستورالعمل‌های دقیقی ارائه شده است. طب باستانی ایرانی با آیین زرتشت و تعلیمات اوستا پیوند جدایی ناپذیری داشته است به طور کلی سابقه پزشک و پزشکی در ایران اساطیری به دوران نخستین شاهان سلسله پیشدادیان برمیگردد. تاریخ پزشکی ایران زمین به علت کمبود منابع مکتوب به سه دوره محدود محدود شده است. در اوستا نخستین پزشک ثریته (فریدون) نام برده شده که زمان وی با توجه به روایات ودایی به دوران بسیار کهن همزیستی هندی‌ها و ایرانی‌ها می‌رسد. تخصص‌های پزشکی در اوستا شامل پنج بخش اشو پزشک، گیاه پزشک، کارد پزشک، داد پزشک و مانتره پزشک بوده است. ایران باستان به ترتیب قدمت و تاریخ دارای سه مکتب پزشکی مزدیسنا، سده اکباتان و جندی شاپور است قدیمی‌ترین نوشته‌های مربوط به بهداشت و پزشکی بخش‌هایی از اوستا و متن‌های فارسی میانه - چون رساله راسته است که خیلی پیش‌تر از مکاتب طبی یونان در عالم وجود داشته‌اند؛ و پزشکان ایرانی همچنین در زمینه ساخت مراکز درمانی و توسعه و تجهیز بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی نیز از ملل و اقوام پیشرو محسوب می‌گردند؛ و نوشتار حاضر پژوهشی مختصر درباره تاریخ پزشکی در ایران است.

واژه‌های کلیدی: پزشکی، تاریخچه پزشکی، ایران باستان.

۱- مقدمه

تاریخ پزشکی از کهن‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین تاریخهای بشری به شمار می‌رود و قدمت آن به حیات انسان باز می‌گردد. اینکه منشأ اولیه دانش پزشکی در جهان چه چیز و یا چه کسی بوده موضوعی است که ذهن محققان تاریخ پزشکی را به خود مشغول داشته است و به تحقیق نمی‌توان گفت که کدامیک از اقوام و قبایل بشری مبدأ اولین اقدامات پزشکی به شمار می‌روند و بی تردید این علم در اثر ارتباطات و مراودات انسانی بین اقوام و ملل گوناگون ایجاد و به تکامل رسیده است. برخی به پیروی از بقراط و جالینوس بر این نظرند که این علم مخلوطی از الهام و اختیار بشری است و در واقع مردم مستقیماً از جانب خدا به اصول علم پزشکی آگاهی یافتند. و برخی نیز می‌گویند که درس‌های پزشکی را نخستین بار فرشتگان الهی به انسان‌های نیازمند عهدهای دیرین الهام کرده‌اند اما آنچه معقول‌تر به نظر می‌رسد این است که درد و رنج همیشه قرین آدمی بوده و انسان همواره برای تسکین آن تلاش می‌کرده و آن چیزی است که اساس علم طب را در گذشته و حال تشکیل می‌دهد (حمید کاویانی پویا، بی تا، ۳)۲ و فریبرز معطر و همکاران، ۱۳۸۹؛ ۱(۴)).

«ایران باستان هم به لحاظ دانش و هم به لحاظ دارا بودن طبیبان حاذق، زبانزد بوده و دستیابی به ترقیات پزشکی آشوریان، بابلیان و یونانیان طی قرون متمادی نیز نقش عمده‌ای در پیشرفت پزشکی در ایران باستان داشته است. در ایران در دوره قبل از اسلام قوانین زیادی راجع به طبیب و طبابت در اوستا وجود داشته و چنین به نظر می‌رسد در زمانی که سایر ممالک فاقد تشکیلات طبی بودند در ایران درباره بهداشت و حقوق اطبا و بیطارها (دام پزشکان) دستورالعمل‌های دقیقی ارائه شده است» (کاظم خدادوست و همکاران ۱۳۸۹؛ ۳(۲)).

سیریل الگود پزشک و خاورشناس نامی در مقاله‌ای تحت عنوان (علم ایرانی) در کتاب (میراث ایران) می‌نویسد: «وضع آبرومند و مقام ارجمند طبیب را در جامعه کنونی دنیا تا حد زیادی می‌توان مدیون ایرانیان دانست. صرف نظر از چند مورد استثنایی باید گفت که در یونان و روم، پزشکان در وضع بد و بی آبرویی می‌زیسته‌اند اما از مدارک تاریخی که از ایرانیان به جا مانده معلوم می‌شود که طبیبان به مقام مشاوره پادشاه می‌رسیده‌اند. پزشکان یونان که در جنگ با آتن، یا پزشکانی که در جنگ با روم شرقی-بیزانته به اسارت در می‌آمدند با عزت و احترام پذیرفته می‌شدند و با آنان مانند اسیر رفتار نمی‌شد بلکه به صورت مهمان ناخوانده پذیرایی می‌شدند. گاهی بزرگ‌ترین مشاوران پادشاه که در حقیقت دست راست او بودند از میان پزشکان انتخاب می‌شد» (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹؛ ۳(۵)).

اشتیاقی که دانشمندان ایرانی بعد از اسلام به نوشتن آثار خود به زبان علمی آن روز یعنی عربی داشتند. باعث گردید مورخین غربی آثار تمدن اسلامی را به حساب اعراب بگذارند در صورتی که بنا به گفته اسدبن جانی در کتاب «النجاء» نوشته جاحظ مورخ عرب، خود اعراب معترف به این حقیقت بودند که با کلیه پزشکان صدر اسلام ایرانی هستند یا اکثراً دارای استادان ایرانی بوده‌اند (فریبرز معطر و همکاران، ۱۳۸۹؛ ۱(۴)).

با در نظر گرفتن نکات فوق مختصراً به وضعیت پزشکی در ایران باستان پرداخته می‌شود تا با توجه به آن به نقش ایرانیان در اعتلای تمدن، فرهنگ و علم در جهان به خصوص پزشکی بهتر نمایان گردد.

۲- روش کار

جهت دستیابی به هدف پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و جمع آوری شواهد و تحلیل و طبقه بندی یافته‌ها موضوع مقاله بررسی و پژوهیده گردیده است.

بحث «امروزه صدها متن پزشکی اکدی از هزاره اول پیش از میلاد وجود دارد که همه نوع کلمات و عبارات پزشکی سومری در آن دیده می‌شود در نینوا انواع لوازم جراحی پیدا شده است که برای برداشتن کاسه سر به کار می‌رفته است. پزشکان بین

النهرین در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد عمل آب مروراید چشم را به وسیله سوزن‌های مفرغی انجام می‌دادند» (محمد فرید سراج الدینی ۱۳۸۹). از قدیمی‌ترین روزگاران امر طبابت در ایران با دیانت توام بوده است. «طب باستانی ایرانی با آیین زرتشت و تعلیمات اوستا پیوند جدایی ناپذیری داشته است به طور کلی پزشکان از طبقه روحانیون که عالی‌ترین طبقه از طبقات چهارگانه (روحانیون، سربازان، کشاورزان و صنعتگران) بودند انتخاب می‌شدند. این طبقه رشته الهیات و طب را همزمان تحصیل می‌نمودند و بعد از اتمام مقدمات آن یکی از این دو رشته را انتخاب کرده و ادامه می‌دادند. موبدان زرتشتی برحسب انجام اخلاق پزشکی که بخشی از امور دینی محسوب می‌شد نظارت می‌کردند و رئیس پزشکان نیز فن زبابت را تحت مراقبت و کنترل داشت و در کمک به بینوایان امر می‌کرد» (کاظم خدادوست و همکاران ۱۳۸۹؛ ۳(۲)). آیین مقدس اسلام هم به دانش و حرفه پزشکی بسیار بها داده است. به طوری که دانش پزشکی را معادل و هم‌تراز دانش دینی قرار داده است و در روایات اسلامی شغل و دانش پزشکی در کنار علوم الهی عنوان شده است. از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرمودند: «العلم علمان علم الادیان و علم الابدان» (کاظم خدادوست و همکاران ۱۳۸۹؛ ۳(۲)). سابقه پزشک و پزشکی در ایران اساطیری به دوران نخستین شاهان سلسله پیشدادیان برمیگردد. بر طبق اساطیر ایران جمشید چهارمین پادشاه پیشدادی، چون پادشاهی کارآمد و مدبر بود کمر همت به آبادانی جهان بست و به مردم یاری داد که به جای زندگی در غارها برای خود خانه بسازند و هنر و مفهوم سلامتی را به ایشان آموخت (حمید کاویانی پویا، بی تا، ۲(۳)). پزشکی ایران در ادوار مختلف تاریخی تاریخ پزشکی ایران به علت نبود منابع مکتوب به سه دوره محدود شده است.

۱-۲- دوره اول: از عصر اوستا و پیش اوستایی تا دوران طلایی مادها و هخامنشیان و تا روی کار آمدن ساسانیان. متأسفانه از این دوران طولانی امروزه غیر از اشاره‌های کوتاهی در اوستا و ادامه آن در بعضی کتاب‌های پهلوی هیچ مرجع دیگری در دست نداریم. مهم‌ترین رویدادهای علمی این دوران احداث دانشگاه‌ها در زمان پادشاهی ماد و هخامنشی است.

۲-۲- دوره دوم: عصر ساسانی است. تأسیس بیمارستان جندی شاپور (گندی شاپور) از رویدادهای مهم تاریخ پزشکی ایران زمین است. جندی شاپور نقش مهمی در تاریخ طب ایران داشته است. دانشگاه جندی شاپور، بیمارستان و کتابخانه بزرگی با هزاران جلد کتاب را شامل می‌شد. البته اقدامات پادشاهان ساسانی در حمایت از دانش به همین اقدامات محدود نمی‌شد. آن‌ها در این راه به فعالیت‌های دیگری نیز دست زدند. اردشیر بابکان، مؤسس سلسله، متخصصان ویژه‌ای را به هند و بین النهرین و شهرهای بیزانسی نزدیک فرستاد تا آثار مهم را گردآوری نمایند. در دانشگاه جندی شاپور، پزشکی بیش از سایر علوم رونق داشت و تالیفات برخی از مشهورترین و نام دارترین استادان طب و داروسازی که از این دانشگاه فارغ التحصیل شدند نظیر بختیشوع و ماسویه و ماسویه و یوحنا بن ماسویه، پایه گذار اساس علم طب در تمدن اسلام شد (محمد فرید سراج الدینی ۱۳۸۹). دوره سوم: دوره اسلامی است که دانشمندان فراوانی از ایران زمین برخاستند و بدون شک ایران دوره اسلامی را با هیچ دوره‌ای نمی‌توان قیاس کرد. در این دوره دانشمندان بزرگ ایرانی چون ابن سینا و رازی با نبوغ خود انقلاب بزرگی در دانش پزشکی ایجاد کردند که تا به امروز شگفتی و تحسین جهانیان را برانگیخته است و جامعه بشری تحت تایر و وام گذار دانش ایرانی بوده است (محمد فرید سراج الدینی ۱۳۸۹).

«در اوستا نخستین پزشک ثریته (فریدون) نام برده شده که زمان وی با توجه به روایات ودایی به دوران بسیار کهن همزیستی هندی‌ها و ایرانی‌ها می‌رسد. به استناد وندیداد فرگرد ۲، ثریته از سوی اهورامزدا برای درمان دردها برانگیخته شد و از کانون درمان‌ها و سرچشمه داروها پرسش نمود و این درمان را از شهریور امشاسپند دریافت کرد. همچنین شهریور وسیله جراحی برای درمان به ثریته داد. او پزشکی بوده که با اقسام کار پزشکی و درمانگری چه به شیوه ادعیه و داروهای گیاهی و چه به شیوه جراحی آگاه بوده است» (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹؛ ۳(۵)). سپس وینگهان و یمه، جمشید پیشدادی را نیز از جمله پادشاهانی که پزشک بوده‌اند، معرفی می‌کند. در متون کهن آمده است: جمشید نخستین پزشکی بود که امراض پوستی

واستخوانی و دهان و دندان را معالجه کرد او سازنده هوم و تریاق ات و استحمام آب گرم و سرد را مرسوم کرد، در دوره پادشاهی او ۷۰۰ سال نه گیاهی خشکید و نه جاننداری بیمار شد (محمد فرید سراج الدینی ۱۳۸۹).

۳- تخصص های پزشکی در اوستا

۳-۱- اشو پزشک = پزشک بهداشت

۳-۲- گیاه پزشک = پزشک در طب سنتی (عطار)

۳-۳- کارد پزشک = پزشک جراح

۳-۴- داد پزشک = پزشک قانونی

۳-۵- مانتره پزشک = پزشک مذهبی و روان پزشک یکی از طبیبان به وسیله اشا درمان می کند، کسی که با گیاه درمان کند، کسی که با کارد درمان کند، کسی که به وسیله قانون، شغا بخشد و کسی که با کلام مقدس (مانتره) درمان کند.

۱. اشوپزشک (پزشک بهداشت): پزشکی که به کمک قانون مقدس اشا (اشه = راستی و پاکی) یعنی به طریق اشویی و مذهبی بیمارانش را درمان می کرده است (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹، ۴). وظیفه اشو پزشک توجه به بهداشت و پاک نگهداشتن محیط زندگی و شهر و پاک تن و رسیدگی به امور بهداشتی و جلوگیری از انتشار بیماری های مسری است. ایرانیان باستان علاوه بر خورشید و ماه و باد، زمین و آتش و آب را مقدس پنداشته و ستایش کرده اند. پاک نگه داشتن این عناصر از پلیدی و نیالودن آن ها امری واجب و وظیفه تک تک افراد جامعه بود. به همین دلیل خود را در آب روان پرهیز می کردند همچنین ادرار کردن و آب دهان انداختن در آب را گناهی بزرگ می شمردند آتش را با مواد سوختنی دودزا و بدبو آلوده نمی کردند و همواره جایگاه آتش را پاک نگه می داشتند (محمد فرید سراج الدینی ۱۳۸۹).

۲. گیاه پزشک = پزشک در طب سنتی گیاه پزشک به کمک شیره گیاهان روش درمانی خود را به کار می گرفته است. او پس از تجویز داروهای گیاهی و حیوانی عکس العمل های عضو معلول را پس از مصرف دارو در نظر می گرفته و به کیفیت داروها و مداوای بیماری ها به روش ثرمانی نوینی که به دانش پزشکی او می افزوده اند، پی می برده است نظر به توانایی منزلت و وجهه ای که این پزشک در ایران باستان داشته است می توان گیاه پزشک را با داروسازان و داروشناسان مقایسه کرد (حمید کاویانی پویا، بی تا، ۲(۳)).

۳. کارد پزشک = پزشک جراح کسی که با کارد و نیشتن درمان می نموده است. هنر درمانی کارد پزشکان به وسیله دست آنان که بازدهنده اندیشه و دانش پزشکی به طور عملی است صورت می پذیرفته و به مدد آلات و ابزار جراحی انجام می گرفته است. جراحی باستان فقط در سطح خارجی بدن بوده است زیرا دانش پزشکی آنقدر پیشرفته و مجهز نبوده که پزشک عضو داخلی را جراحی کند. در میان پزشکان ایران باستان شرایط کارد پزشکان برای احراز صلاحیت طبابت دشوارتر از سایر گروه ها بوده است (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹، ۴).

۴. داد پزشک = پزشک قانونی داتو بئیشه زو به معنای پزشک قانون، دات در یشت ها کرده ۳۳ به معنی فرشته نماینده قانون آمده است. این پزشکان بیشتر با علوم پزشکی کار می کردند کالبد شکافی پس از مرگ جهت تشخیص بیماری و پیدا کردن راه درمان برای آیندگان از جمله وظایف آنان بوده پزشکان قانونی در صورت لزوم اموات را معاینه می کردند و پس از اطمینان حاصل کردن از فوت میت برای آن جواز کفن و دفن صادر می نمودند اگر مرده نیاز به کالبد شکافی داشت، آن را کالبد شکافی

می‌کردند (عبدالعلی محقق زاده و همکاران، ۱۳۹۰). از بنیان‌گذاران پزشکی قانونی در ایران دکتر پولاک و دکتر عبدالرحیم فیلسوف هستند.

۵. مانتره پزشکی = پزشک مذهبی و روان پزشک گفتنی آنکه مانتره پزشک موثرتر از سایرین به شمار می‌رفته است در این باره در ونیدداد آمده است که اگر پزشکان چند باشند که یکی با کارد و دیگری با گیاه و سومی با ادعیه و کلمات خدایی پاک درمان نماید، برتری با زیب سومی است که او پزشک پزشکان است (حمید کاویانی پویا، بی تا، ۲(۳)). واژه منتره به معنای گتار ایزدی است (منیژه عبدالهی، ۱۳۸۹، ۲). مانتره پزشک با دعا و آیات کتاب مقدس و روان پزشکی مداوا می‌کند (محمد فرید سراج‌الدینی ۱۳۸۹). پزشکی که به کمک اوراد مقدس و کلام ایزدی درمان می‌کرده است و هنر و روش درمانی وی برای تقویت نیروهای درونی و روانی انسان به یاری کلمات مؤثر و آسمانی اوستا انجام می‌شده است. منتره درمانی یا درمان مذهبی امروزه نیز در میان رزشتیان رواج دارد و بدین شکل انجام می‌گیرد بیمار را شتسو داده از سد تا پا در پارچه سفید می‌پیچند و گیاهان خوشبو بر آتش می‌ریزند. سپس منتره خوان با لحن موسیقایی دعا را خطاب به بیمار می‌خواند این شیوه تا پایان مراسم، اندک اندک در بیمار شعف و امیدواری پدید می‌آید (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹، ۴).

در ایران باستان در دوره هخامنشی سه مرکز عمده پزشکی و آموزشی در ری و همدان و تخت جمشید به همراه بیمارستان‌هایی در جنب آن‌ها، برقرار بوده است که بیشترین پناهگاه بیماران و سربازان بیمار محسوب می‌شده است تا بیمارستان به معنی مصطلح (و از این جهت معادل با هاسپیتالها یا مهمان سراهای دایر در کنار پرستشگاه‌ها و کلیساها در غرب است) و از آنجا که نگاهداری این مراکز بر عهده فرمانداران بوده و از امور محوله به آنها محسوب می‌شده است، می‌توان چنین گمانه زنی کرد که اساساً ضرورت درمان سربازان بیمار و زخمی، دولت‌های باستانی را به تأسیس این اقامتگاه‌ها و داشته است. در این دوران آیین‌های دقیقی برای آموزش پزشکی اجرا می‌شده و به کسی که مراحل مقدماتی را طی کرده بوده، نوعی اجاره نامه یا مدرک طبابت اعطا می‌شده است (منیژه عبدالهی، ۱۳۸۹، ۲).

قدیمی‌ترین نوشته‌های مربوط به بهداشت و پزشکی بخش‌هایی از اوستا و متن‌های فارسی میانه- چون رساله راسته است که خیلی پیش‌تر از مکاتب طبی یونان در عالم وجود داشته‌اند؛ «زیرا در دین زرتشت عامل بیماری‌ها، اهریمن است و هر یک از مزدیسنان وظیفه دارند تا با حفظ سلامت خویش و پاکی محیط به اهورا علیه نابودی اهریمن یاری رسانند؛ از این رو ایرانیان به عنوان انجام وظیفه دینی، قطعاً پیش‌تر از یونانیان در زمینه پزشکی علم و تجربه به هم رسانیده بودند» (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹؛ ۳(۵)). به استناد دینکرد از ۲۱ نسک کتاب مقدس ایران باستان «در سه نسک به نام‌های هوسپارم نسک، نیکادوم نسک و چیترداد/نسک از مباحث طبیعی و بهداشتی و پزشکی سخن رفته بود که به فرمان اسکندر به زبان یونانی ترجمه و متن آن طعمه آتش گردید» (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹؛ ۳(۵)). «یکی از مهم‌ترین پایه‌ها و نیازهای علمی هر تمدنی خط می‌باشد. پیدایش خط در هر جامعه‌ای نقطه آغازی برای شروع علم آموزی بوده و بدون آن پیدایش مکاتب علمی مدون را نمی‌توان تصور نمود. در ایران مطابق آخرین یافته‌های باستان شناسی در ناحیه جبرفت، پیدایش خط مربوط به حدود ۲۴۰۰-۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است» (عبدالعلی محقق زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳ تا ۱۱۰).

شکل ۱: نمونه‌ای از خط نیم‌گشج، خط مخصوص نوشتن کتب پزشکی و فلسفه در دوران ساسانی

۴- مکاتب پزشکی مکاتب پزشکی ایران باستان سه مکتب پزشکی که آثاری از آنها تا به امروز باقی مانده به ترتیب زمان و قدمت:

۴-۱- مکتب پزشکی مزدیسنا: این مکتب بر اساس آموزه‌های زرتشت، پیامبر زرتشتیان بوده و در آن پیشگیری بر درمان ارجحیت داشته و اصل بر جلوگیری از ابتلا به بیماری‌ها بوده است. این مکتب قدیمی‌ترین مکتب پزشکی شناخته شده ایران به شمار می‌رود. امروز نیز اگر قسمت‌های باقیمانده اوستا بررسی شود در جای جای آن اصول بهداشتی و سفارش به آنها یافت می‌شود.

۴-۲- مکتب پزشکی سده اکباتان: این مکتب پزشکی توسط پزشکی به نام سننپور اهوم ستوت که از شاگردان زرتشت بوده پایه گذاری گردید.

۴-۳- مکتب پزشکی جندی شاپور: در دانشگاه جندی شاپور با تلفیق پزشکی ایرانی، مردیسناپی، یونانی، هندی و سریانی مکتب پزشکی جدیدی به وجود آمد که برتر از سایر مکاتب بوده و قرن‌ها مهم‌ترین مرکز پزشکی جهان به شمار می‌رفته است (عبدالعلی محقق زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳ تا ۱۱۰)؛ و در سال ۶۳۶ میلادی جندی شاپور به سپاه اسلام تسلیم شد. ولی خوشبختانه شهرت دانشگاه باعث شد که از گزند حوادث مصون بماند و همچنان به عنوان مرکز پزشکی قدیم و علوم یونانی نمایان باشد بعدها با مهاجرت اساتید آن به بغداد کم کم از شهرت و آوازه این شهر کاسته شد و بغداد جای آن را گرفت.

مهم‌ترین اسناد ایران باستان درباره بیماری‌ها و درمان‌ها، متون مذهبی است. در آبان یشت از بیماری‌ها و بیماری‌های چون مبتلایان به پیس، فساد دندان، و حتی بیماران مادرزادی پون ناشنوایان، نابینایان، کوتاه قامتان، گوژسینه‌ها، و گوژپشت‌ها به بدی یاد شده است که حق آشامیدن زور (مقدس) را نداشته‌اند زیرا مزدانیان بر این باور بودند که بیماری‌ها و مرگ از تأثیر وجود دیوان است (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹، ۴).

کریستن سن با نگرش به کتاب پهلوی «دینکرد» می‌نویسد: برای مزد پزشکان قواعدی مقرر بود. غلات نیکو، جامه زیبا و اسب تندرو به طبیبان می‌دادند. همچنین قواعدی برای تأدیه وجه نقد وجود داشت. اگر طبیب همه بدن یا فقط عضوی از اعضای بدن را معالجه می‌کرد، در میزان مزد او تغییر حاصل می‌شد. طبیب بایست بیمار را به پاکی و احتیاط و تدبیر درمان کند، و اگر خواهان استراحت بود یا در دیدن رنجوران درنگ روا می‌داشت، او را جنایت کار می‌شمردند. از میان پزشکان متخصص، از (چشم پزشک) نیز نام برده شده و نیز از شیوه درمان جانوران اهلی و سگ‌ها و غیره سخن به میان آمده است (داود رنجکش، ۱۳۹۰، ۱۲(۳)). پزشک دانا کسی بود که بتواند به دقت بیمار را معاینه کند و بسیار کتاب خوانده باشد: محبوب و شیرین سخن باشد، با رنجوران از روی شکیبایی و مهربانی رفتار کند، در موقع لزوم هر روز به دیدار بیمارش برود (عبدالعلی محقق زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳ تا ۱۱۰ و داود رنجکش، ۱۳۹۰، ۱۲(۳)). در عوض بایستی به او خوراک خوب می‌دادند و خانه‌ای عالی در مرکز شهر برایش تهیه می‌کردند. از لحاظ اخلاق و دین‌ورزی بهترین پزشک آن بود که این شغل را به خاطر خدا پیشه گرفته باشد. پس از او طبیبی بود که هم به مال تعلق خاطر داشت و هم به ثواب فروتر از او طبیبی بود که جز به مال دنیا به چیزی دلبستگی نداشت (داود رنجکش، ۱۳۹۰، ۱۲(۳)).

دستورهای بهداشتی: در جلد هفتم دینکرد می‌خوانیم همان طور که ما دارای جسم و روح هستیم باید قوای جسمانی و روحانی خود، هر دو را حفظ کنیم. اگر قوای روحانی ضعیف گردد، قوای جسمانی نیز نقصان پذیرد و اگر قوای جسمانی مختل گردد روح متأثر خواهد شد پس باید کوشید که هر دو سالم و قوی بمانند. این نکته را در گفته «پیران» به رستم می‌بینیم که: همی خون فشانم به جای سرشک همیشه گرفتارم اندر پزشک (داود رنجکش، ۱۳۹۰، ۱۲(۳)). در بهداشت همگانی دستورات دینی زرتشت در مرتبه‌ای عالی قرار دارد. قوانین مربوط به طهارت و پرهیز از آلودن محیط زیست با اصول پیشگیری از شیوع

بیمارها تفکیک ناپدیدند. توجه به پیشگیری از انتشار بیماری و رعایت اصول بهداشتی در هنگام مراقبت از بیمار از جمله موضوعات مورد توجه در دین زرتشت است که از وظایف مهم شهرباران بوده است. در دینکرد، حفظ بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها از آن رو وظیفه شهربار شمرده شده که مقابله با اهریمن و آفرینش‌های اوست و برترین شهربار آن کسی دانسته شده که بدبختی و بیماری در سرزمین او کم‌تر باشد (فرشته آهنگری، ۱۳۸۹، ۴).

۵- نتیجه گیری

نتیجه پزشکی در ایران باستان تاریخی بسیار طولانی دارد اگرچه نقش اوراد و ادعیه در ایران باستان به مانند سایر اقوام معتبر به شمار می‌رفته است؛ و اکثر پزشکان در واقع روحانی بوده‌اند و پزشکان در ایران بر خلاف پزشکان ممالک دیگر از موقعیت خوبی برخوردار بوده‌اند؛ و پزشکان ایرانی همچنین در زمینه ساخت مراکز درمانی و توسعه و تجهیز بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی نیز از ملل و اقوام پیشرو محسوب می‌گردند. به طوری که مرکز علمی درمانی جندی شاپور از کهن‌ترین دانشکده پزشکی در جهان است.

منابع

۱. آهنگری فرشته (۱۳۸۹). آیین پزشکی در اسطوره و تاریخ ایران باستان. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی
۲. سامی، علی (۱۳۴۸)، پزشکی ایران در عهد ساسانی، نشریه هنر مردم، شماره ۸۹
۳. حسینی اشکوری، صادق (۱۳۹۴)، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مشترک ایران و عراق، ج ۲۸، اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق. دبیر خانه، مجمع ذخائر اسلامی.
۴. محمدی، حسین، بهزادی، رزیتا، اشرفی ریزی، حسن، محمدنیا سماکوش، مرتضی (۱۳۹۱)، سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران، ج ۱، نشر کتابدار، ۱۳۹۱
۵. خدادادیان، اردشیر (۱۳۵۶)، نشریه: بررسی‌های تاریخی - مهر و آبان - شماره ۷۲
۶. پهلوان، اسماعیل (۱۳۹۵) جایگاه علم پزشکی در دوره هخامنشیان (برگرفته از متون تاریخی و دینی) نشریه: تاریخ روایی - پاییز، سال اول - شماره ۲
۷. رشید یاسمی، غلامرضا، کریستن سن، آرتور امانوئل (۱۳۶۸)، ایران در زمان ساسانیان: تاریخ ایران ساسانی تا حمله عرب و وضع دولت و ملت در زمان ساسانیان، ج ۱، دنیای کتاب،
۸. خدادوست کاظم و همکاران (۱۳۸۹). اخلاق پزشکی و اهمیت آن در ایران باستان و اسلام. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی.
۹. محقق زاده عبدالعلی و همکاران (۱۳۹۰). آموزش علوم پزشکی در ایران باستان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.
۱۰. سراج‌الدینی محمد فرید (۱۳۸۹). گیاه درمانی و پزشکی در ایران باستان. فصلنامه تاریخ پزشکی، شماره ۲.
۱۱. کاویانی پویا حمید (۱۳۸۹). پزشکی و سیر تحول درمان در ایران باستان. فصلنامه تاریخ پزشکی، شماره ۳.
۱۲. معطر فریبرز و همکاران (۱۳۸۹). هنر پزشکی و داروشناسی در ایران باستان. مجله طب سنتی اسلام و ایران.
۱۳. آهنگری فرشته (۱۳۸۹). پزشکی و تخصص‌های پزشکی در ایران باستان (با تکیه بر دینکرد و اوستا). مجله اخلاق و تاریخ پزشکی.
۱۴. عبداله‌ی منیژه (۱۳۸۹). نگاهی دیگر به تاریخ علوم پزشکی و هویت بیمار در متن‌های پزشکی. مجله طب سنتی اسلام و ایران.
۱۵. رنجکش داود (۱۳۹۰). پیشینه پزشکی در ایران باستان. رشد آموزش تاریخ، شماره ۴۲.

History of medicine in ancient Iran

Jila Aghamohammadi ¹, Homa Rezaei ²

¹ Bachelor of Public Health (School of Public Health) Kurdistan University of Medical Sciences

² Bachelor of Public Health (School of Public Health) Kurdistan University of Medical Sciences

Abstract

Our goal is to study the medical history of ancient Iran. The research methodology is descriptive explanatory and uses information from literature and library sources to gather information. Medical history is one of the oldest and, at the same time, the most complex human history, and dates back to human life. And in Iran in the pre-Islamic period, there were many laws on medical and medical practice in the Avesta, and it seems that in the time when other countries lacked medical facilities, in Iran, precise instructions were given on health and safety of the ungulates (livestock) Is. Ancient Iranian medicine with Zoroastrianism and Avesta education has an inseparable connection. In general, the history of medicine and medicine in Iran is mythological to the early kings of the Pishdadian dynasty. Iran's medical history has been limited to three limited periods due to lack of written resources. In Avesta, the first doctor of Thorethe (Fereydun) has been named, whose time comes with the Vedic traditions according to the ancient era of coexistence between the Indians and the Persians. Medical specialties in Avesta include five sections: physician, herbalist, physician, doctor and mantra doctor. Ancient Iran, according to history and history, has three schools of medicine, Mazdeysna, Ekbatan and Jandi Shapour. The oldest writings about health and medicine are parts of the Avesta and Middle Persian texts - such as the treatise that existed much earlier than the Greek medical schools in the world. And Iranian physicians are also considered to be leading nations in the field of medical centers and the development and equipping of hospitals and educational centers. The present paper is a brief study of the history of medicine in Iran.

Keywords: Medicine, Medical History, Ancient Iran
